فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، پیاپی ۱۱
صفحات ۱۴-۱

تحلیل فضایی الگوی اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت نواحی روستایی ایران

حسنعلی فرجی سبکبار*، دانشیار و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
نادر ملایی، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
بهرام هاجری، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۶ پذیرش نهایی:۱۳۹۳/۱۱/۲۱

چکیده
مسئله‌ی اشتغال و به‌طور کلی نیروی انسانی در مسائل اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای دارد. در اقتصاد ایران، اشتغال از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی است. تجزیه و تحلیل روند اشتغال و ساختار آن در سطح کشور و مناطق مختلف آن، مستلزم شناخت دقیق استعدادها و توان بالقوه‌ی بخش‌ها و ترکیب آن در مناطق است تا بتوان برنامه‌ریزی و اشتغال‌زایی متوازن و متعادلی را در هر یک از بخش‌ها و مناطق محقق ساخت. هدف از این تحقیق، شناخت وضعیت بخش‌ها و گروه‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی کشور می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، ۳۹۴ شهرستان کشور بوده است که آمار و اطلاعات آن از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ استخراج شده و با استفاده از تکنیک ضریب مکانی (LQ)، بخش‌های پایه که صادر کننده‌ی نیروی شاغل بوده‌اند، مشخص گردیده است. نتایج حاکی از آن است که در بخش کشاورزی، غرب و شمال غرب کشور و جنوب شرق از نواحی پایه‌ای می‌باشد. در بخش صنعت نیز نواحی مرکزی، شمال و بخشی از جنوب کشور صادر کننده نیروی کار به نواحی دیگر می‌باشد. بخش خدمات در مناطق مرکزی، شمال شرقی و غربی و جنوب کشور از نواحی پایه است که این نواحی به‌عنوان صادر کننده نیروی کار خدماتی شناخته می‌شود.

واژگان کلیدی: اشتغال، تحلیل فضایی، فعالیت‌های عمده اقتصادی،ضریب مکانی (LQ)، روستاهای ایران.

* Email: hfaraji@ut.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

۱) مقدمه

برای رسیدن به توسعه اقتصادی در کشور، باید از تمامی توان‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف سود برد. نگرش تک بعدی به بخش‌های اقتصادی، عامل عقیم ماندن توان‌های محیطی در بهره‌وری از منابع می‌گردد. بنابراین، باید توجه داشت که توسعه اقتصادی در هر سرزمین، وابسته به کارآیی، تلفیق و ترکیب بهینه بین بخش‌های اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۳). از این رو در تمام دنیا، اقتصاد روستایی نقش بسیار مهمی در اقتصاد ملی کشورها دارد. بخش قابل توجهی از شاغلین هر کشوری، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، در حوزه‌های روستایی به کار مشغول هستند. تولیدات کشاورزی همچون محصولات زراعی، باغی و دامی، علاوه بر تأمین غذای مردم به‌عنوان مواد خام و اولیه، چرخ صنایع را به گردش در می‌آورد و یا به‌عنوان کالاهای مصرفی در شهرها، توسط مشاغل خدماتی به فروش می‌رسد. تولیدات کشاورزی نقش مهمی در خودکفایی اقتصادی، استقلال سیاسی، امنیت غذایی و کسب ارز دارد. به مدت هزاران سال تولیدات کشاورزی منشأ ثروت و قدرت ملل و دولت‌ها بوده است. امروزه نیز کمتر کشوری بدون توجه به اقتصاد روستایی قادر به تأمین نیازهای حیاتی شهروندان خود است (بدری، ۱۳۹۱: ۷). در روند برنامه‌ریزی و در جهت دستیابی به توسعه اقتصاد روستایی، توجه به جمعیت یکی از مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین فاکتور را تشکیل می‌دهد؛ چرا که تغییرات کمی وکیفی جمعیت اثرات قابل توجهی در این روند دارد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در ارتباط با جمعیت می‌بایستی در نظر داشت، مسئله اشتغال است؛ زیرا که تأمین یا عدم تأمین اشتغال نیروی انسانی می‌تواند اثرات مثبت و منفی بر چگونگی دستیابی به توسعه هر کشور داشته باشد و بحث اشتغال در تمامی محافل اقتصادی یک بحث کلیدی و راهبردی می‌باشد. اشتغال عاملی است که باعث می‌شود از تمامی نیرو و توانمندی‌های فکری ـ فیزیکی انسان استفاده شود و این روند به دنبال خود آرامش و تمکین جامعه را به دلیل از بین رفتن بیکاری، مسکوت ماندن امر مهاجرت، استفاده و پرورش استعدادهای درخشان و بالا رفتن درآمد ناخالص ملی در پی داشته باشد (قدیری‌معصوم و همکاران،۱۳۸۴: ۱۵۳). بنابراین روستاهای کشور با دارا بودن نیروی فعال زیاد، می‌تواند در توسعه اقتصادی کشور نقش مهمی ایفا کند. شناخت توزیع فضایی اشتغال در نواحی روستایی کشور و از طرف دیگر برنامه‌ریزی بر اساس آن راهی است برای توسعه اقتصادی روستاها که نتیجه آن شکوفایی اقتصاد کشور خواهد بود.

از آنجا که فعالیت‌های اقتصادی، به‌طور خاص و منابع و امکانات به طور عام، از لحاظ توزیع فضایی از درجه تمرکز نامطلوبی برخوردار می‌باشد، بنابراین، هر منطقه متناسب با ویژگی‌های خاص خود نیازمند برنامه‌های ویژه‌ای است که لازمه هر گونه اقدامی در این زمینه، شناسایی وضعیت موجود مناطق مختلف بر اساس روش‌های علمی مناسب است. در همین راستا هدف تحقیق، تعیین وضعیت اشتغال بخش‌ها و گروه-

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

های عمده فعالیت و پراکنش فضایی آن در کشور است. بدین منظور، با بکارگیری شاخص ضریب مکانی LQ، بخش‌های پایه به تفکیک شهرستان‌ها که صادر کننده نیروی شاغل خود بوده‌اند، مشخص شده است. برای رسیدن به این هدف به پرسش زیر پاسخ داده خواهد شد: توزیع فضایی اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت (کشاورزی، صنعت و خدمات) در نواحی روستایی کشور چگونه است؟

۲) مبانی نظری

اقتصاد روستایی علمی است که به مطالعه و بررسی تمام بخش‌های اقتصادی، اعم از کشاورزی، خدمات و صنعت در محدوده روستا و شرایط اقتصادی خانوارهای روستایی می‌پردازد. در تمامی دنیا اقتصاد روستایی نقش بسیار مهمی در اقتصاد ملی کشورها دارد. بخش عظیمی از شاغلین هر کشور در فعالیت‌های اقتصاد روستایی به کار مشغول هستند، تولیدات کشاورزی همچون محصولات زراعی، باغی و دامی علاوه بر تأمین غذای مردم به‌عنوان مواد خام اولیه چرخ منابع را به گردش در می‌آورند و یا به‌عنوان کالاهای مصرفی در شهرها توسط مشاغل خدماتی به فروش می‌رسند، تولیدات کشاورزی نقش بسیار مهمی در خودکفایی اقتصادی، استقلال سیاسی، امنیت غذایی و کسب ارز دارد. به مدت هزاران سال تولیدات کشاورزی منشأ ثروت و قدرت ملل و دولت‌ها بوده اند. امروز نیز کمتر کشوری بدون توجه به اقتصاد روستایی قادر به تأمین، نیازهای شهروندان خود است (صحنه، ۱۳۹۱: ۵۴).

اگر چه توسعه مفهوم وسیع‌تری از تولید اقتصادی و کسب ثروت دارد، با این وجود، برای دستیابی به برخی ابعاد توسعه نظیر آموزش، بهداشت و خدمات پیش از هر چیز لازم است مردم به غذا و کار و نیازهای اولیه‌ی حیاتی دسترسی داشته باشند. برخی از برنامه‌ریزان روستایی، علت توسعه نیافتگی روستاهای کشور ما را به رغم سرمایه‌گذاری کلان دولتی در تأمین خدمات آنها، عقب ماندگی اقتصادی می‌دانند. بیکاری و فقر مالی عاملی عمده برای مهاجرت‌های روستایی شناخته شده و مهاجرت بی‌رویه خود موجب رکود و تباهی روستا گردیده است. به نظر برنامه‌ریزان اگر روستاهای کشور از نظر اقتصادی پویا و فعال شود، با افزایش درآمد بر مشکلات خود فائق خواهند آمد و قادر خواهند بود مدرسه، درمانگاه و راه بسازد و یا سایر نیازهای خود را بر طرف نمایند. از این طریق آنها می‌توانند محیط روستا را برای زندگی بهتر آماده کرده و سطح رفاه خود را افزایش دهند و به سمت توسعه یافتگی حرکت کنند. لازمه‌ی این کار آن است که اقتصاد سنتی و کم درآمد و کم بازده متحول و به جای آن اقتصاد نوین جایگزین شود (همان).

فعالیت‌های اقتصادی روستا به طور عمده به سه دسته تقسیم می‌شود. این سه دسته شامل فعالیت‌های کشاورزی، خدماتی و صنعتی است. کشاورزی مبتنی بر زراعت، پرورش دام، مرغداری و باغداری است. بر پایه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

این می‌توان کشاورزی را در برگیرنده مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی خواند که هدف از آن تهیه نیازهای خوراکی جامعه و تولید اولیه کشاورزی برای دیگر بخش‌های تولیدی از جمله صنعت است. در زمینه گسترده-تر، بخش کشاورزی علاوه بر موردهای پیش گفته، جنگلداری، زنبورداری، ماهیگیری، پرورش ماهی و میگو را نیز در بر می‌گیرد (رزاقی، ۱۳۷۶: ۱۲۲). صنعت معمولا شامل تولید، تغییر شکل دادن و اتصال قطعات تغییر شکل یافته به یکدیگر، به‌منظور تولید یک قطعه مشخص و در نهایت مونتاژ این قطعات در جهت آماده نمودن تولید نهایی می‌باشد. صنعت را به لحاظ پیدایش، می‌توان به دو گروه بزرگ صنایع قدیمی (دستی) و صنایع نوین تقسیم کرد. صنایع قدیمی (دستی) در کشورهای در حال توسعه از جمله در ایران به دلیل در اختیار داشتن مواد اولیه مورد نیاز، وسایل کار و نیروی کار مهار، متناسب با ساختار اقتصاد داخلی سنتی و متکی بر پیشینه‌ای کهن می‌تواند بی‌نیاز از خارج به فعالیت خود ادامه دهد. در حالی که صنایع نوین اصولا وارادتی، بدون ارتباط با ساختار اقتصادی جامعه، فاقد زیربنای لازم علمی و فنی و وابسته به مراکز صنعتی خارج است (رزاقی،۱۳۷۶: ۱۴۸). بخش خدمات، گروهی از فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شود که اگر چه جنبه تولید کالایی ندارند، ولی در افزایش میزان تولید و ارتقای سطح جامعه می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا نمایند (ابریشمی، ۱۳۷۵: ۱۱۲). بخش خدمات شامل کلیه فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که خروجی آن کالا یا سازه‌ای فیزیکی نیست. عموما در همان زمان تولید مصرف می‌شود و ارزش افزوده را به شکل‌های مختلف (مثل راحتی، سرگرمی، به موقع بودن، آسایش و بهداشت) که برای اولین خریدار لزوما ناملموس می‌باشد، خلق می‌کنند (بدری،۱۳۹۱: ۵۷).

فعالیت‌های کشاورزی، محور فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. ارتباط داده ها ـ ستانده‌های این بخش با بخش صنعت و خدمات در مراحل توسعه تعیین بخش را نمایان می‌سازد. اهمیت این امر به حدی است که برخی معتقدند بدون انقلاب کشاورزی انقلاب صنعتی رخ نخواهد داد. این توسعه موجب افزایش فرصت‌های اشتغال و رشد بهره‌وری نیروی کار خواهد شد. کشاورزی نه تنها در مناطق روستایی بخش غالب است، بلکه تقریبا در همه کشورهای در حال توسعه کل اقتصاد را تشکیل می‌دهد. کشاورزی بیش از همه به تولید ناخالص ملی کمک می‌کند و برای بخش اعظم جمعیت کشور اشتغال‌زاست و غذای آنها را فراهم می-کند. کشاورزی با کارکردهای مختلف خود می‌تواند به توسعه کلی اجتماعی ـ اقتصادی کمک کند(رمضان زاده و همکارن، ۱۳۹۱: ۱۱۶)

نگرشی در کارکرد بخش‌های اقتصادی کشور، حاکی از موقعیت مناسب بخش کشاورزی در اقتصاد ایران است؛ زیرا کشاورزی توانسته است از نظر اشتغال‌زایی، تأمین درآمد و سهم آن در تولید ناخالص ملی، تأمین نیازهای مصرفی جمعیت و همچنین تأمین ارز، موقعیت مطلوبی را در اقتصاد ایران داشته باشد (مطیعی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

لنگرودی، ۱۳۹۰: ۳۷). بر اساس آمارنامه های منتشر شده، بخش کشاورزی در ایران در سال ۱۳۸۶ در حدود ۱۳٪ تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت)، حدود یک پنجم ارزش صادرات غیر نفتی و ۲۵٪ اشتغال را به خود اختصاص داده است. این آمار نشان دهنده اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد ملی است.

با توجه به نحوه زیست و فعالیت‌های تولیدی در مناطق روستایی، ایجاد امکانات اشتغال در کنار فعالیت-های کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فصلی بودن ماهیت فعالیت‌های کشاورزی و توقف این فعالیت و به‌ویژه بیکاری پنهان که نتیجه تراکم بیش از حد جمعیت بر زمین‌های قابل کشت و زرع به وجود آمده است، ضرورت ایجاد اشتغال و مبارزه با بیکاری را حیاتی نموده است. شمار رو به افزایش کارگران غیر کشاورزی در مناطق روستایی یا به عبارتی رشد سریع نیروی کار غیرکشاورزی نسبت به نیروی کار کشاورزی، اهمیت گسترش فعالیت‌های غیر کشاورزی را در مناطق روستایی آشکار می‌سازد. با توجه به محدودیت‌های کشاورزی، مناسب‌ترین روش ارتقاء سطح اشتغال در روستاها و افزایش درآمد ساکنین این مناطق و افزایش جذب روستانشینی، ایجاد و توسعه صنایع روستایی است (حیدری فر، ۱۳۹۱: ۹۵).

خدمات، زمینه‌ساز فوق‌العاده اشتغال‌زایی است که حوزه رو به رشدی در اکثر کشورهای جهان محسوب می‌شود. به طوری که بسیاری از اندیشمندان، اقتصاد نوین را اقتصاد خدماتی می‌نامند. خدمات زمینه بسیار متعددی برای اشتغال‌زایی است؛ زیرا در یک اقتصاد رو به رشد و پویا نمی‌توان هیچ گونه محدودیتی برای توسعه خدمات در نظر گرفت؛ مضاف بر اینکه خدمات اجتماعی، خدمات بهداشتی، خدمات فنی، خدمات آموزشی، تجارت، خدمات اقتصادی ـ مالی و خدمات ارتباطی از جمله مهم‌ترین زمینه‌های قابل توسعه و اشتغال‌زا در مناطق روستایی است (همان، ۱۰۰).

امروزه برخورداری از شغل مناسب جزو یکی از اصلی‌ترین اجزای تشکیل دهنده‌ی حقوق مردم و یا به عبارتی حقوقی شهروندی به‌شمار می‌رود. به طوری که، ریشه کن کردن بیکاری یا همان اشتغال کامل از جمله وظایف بنیادین و دغدغه اصلی دولت‌ها، از طرفی میزان موفقیت هر جامعه و روند توسعه، تا حدود زیادی با وضعیت اشتغال در آن جامعه ارتباط دارد. در کشور ما وضعیت اشتغال در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری به مراتب نامطلوب‌تر و نامناسب‌تر است. وجود بالغ بر ۲/۵ میلیون نفر بیکار در روستاهای کشور ناشی از عوامل مختلف است که یکی از مهم‌ترین آنها، بخشی‌نگری در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای و عدم توجه به توسعه متوازن و پایدار است. به طوری که توسعه صنایع سنگین و فعالیت‌های مرتبط با توسعه شهری موجب کاهش سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی شده است. در دهه گذشته، ۸۵ درصد فرصت‌های شغلی در مناطق شهری و فقط ۱۵ درصد فرصت‌های شغلی در روستاها ایجاد شده، این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

شرایط مهاجرت گسترده روستاییان در مناطق شهری، توسعه حاشیه نشینی، گسترش مشاغل کاذب و بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و امنیتی را در پی داشته است (حیدری فر، ۱۳۹۱: ۶۵).

چه درگذشته و چه در امروز، اشتغال در نواحی روستایی از اهم برنامه‌های دولت و راهبردهای توسعه بوده است. اوروین، از جمله اولین افرادی که به برنامه‌ریزی روستایی توجه نموده است، این مسئله را در چهار مؤلفه اصلی برنامه‌ریزی گنجانده است: ۱ـ ایجاد فرصت‌های اشتغال در روستا؛ ۲ـ بالا بردن سطح زندگی در روستاها؛ ۳ـ توجه به عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی و ۴ـ جلوگیری از تخریب مناظر طبیعی و زیستی روستا و حفظ زیبایی روستا (مهدوی ۱۳۶۹: ۵۴ ـ ۴۸). برخی معتقدند که صنعتی‌شدن با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، نرخ بیکاری را کاهش می‌دهد (طاهرخانی،۱۳۷۹: ۵۳). علیزاده معتقد است که ساختارهای موجود اقتصاد کشور مانع و عامل ناکافی است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۹۷). در زمینه اشتغال کارهای مختلفی انجام شده است. به طور مثال بورگس در مطالعه‌ای مربوط به صنعت کارخانه‌ای انگلستان در سال ۱۹۸۸، هزینه-های تعدیل نیروی کار را در استخدام و اخراج نیروی کار موثر می‌داند. بورگس، روزن و کوانت با استفاده از داده‌های آماری سالانه طی (۷۳ـ ۱۹۳۰) بازار کار آمریکا را بررسی کرده و تقاضای نیروی کاری را تابعی از نرخ حقوق و دستمزد در بخش خصوصی و تولید ناخالص ملی عنوان می‌نمایند (Rosen et al.1977). بنجامین در سال ۱۹۹۲ با حجم نمونه‌ای معادل ۴۱۱۷ نفر از خانواده‌های کشاورز در روستاهای اندونزی به برآورد تقاضای نیروی کار کشاورزی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مؤلفه‌های سطح زیرکشت، نهاده‌ها، اندازه خانوار، دستمزد، ضریب پوشش تحصیلی، سطح آموزش و آب و هوا در اشتغال‌زایی مؤثر است (Benjamin,1992). در تحقیقی دیگر، خان و قانی (۱۹۸۹) ایجاد اشتغال در مناطق روستایی پاکستان را با تمرکز خاص بر صنعتی‌سازی روستایی بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بخش کشاورزی قادر به ایجاد اشتغال، در مقیاس وسیع نیست و بنابراین اشتغال در بخش‌های غیر کشاورزی باید مد نظر قرار گیرد. این دو معتقدند که از طریق صنعتی‌سازی روستایی می‌توان فرصت‌های شغلی جدید در روستاها ایجاد کرد و از مهاجرت روستاییان به شهرها کاست و تا حدی مشکل بیکاری آن کشورها را کاهش داد. جلالی (۱۹۹۲) در تحقیقی همانند در پاکستان به نتیجه مشابه خان وقانی رسیده است.

قدیری معصوم و عزمی (۱۳۸۹)، به بررسی تحولات اشتغال روستایی، و عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از تغییر الگوی غالب اقتصادی روستاها از کشاورزی و صنعت به سمت خدمات بوده است. همچنین مهاجرت‌پذیری نقش مهمی در این تغییر فرایند بازی می‌کند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از ادامه این وضعیت در سال‌های آتی دارد. بیشتر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه به بررسی اشتغال در حد استان اکتفا شده است. تحقیق حاضر به بررسی الگوی توزیع فضایی گروه‌های عمده فعالیت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

(صنعت، کشاورزی و خدمات) در کل روستاهای شهرستان‌های کشور پرداخته شده است. همچنین وضعیت شهرستان‌ها در استان به تفکیک گروه‌های عمده فعالیت مورد بررسی قرار گرفته است.

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش توصیفی و تحلیلی است. جامعه آماری شامل ۳۹۴ شهرستان کشور می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از نتایج سرشماری مرکز آمار در سال ۱۳۹۰، وضعیت اشتغال روستاییان در زیر بخش‌های عمده اقتصادی شامل کشاورزی (کشاورزی، جنگل داری و ماهیگیری)، صنعت (استخراج معدن، تولیدات صنعت، کشت و صنعت، ساختمان، تأمین آب و برق و گاز و تهویه هوا، آبرسانی، مدیریت پسماند و فاضلاب) و خدمات (عمده فروشی و خرده فروشی، تعمیر، حمل و نقل و انبارداری، فعالیت های خدماتی مربوط به اطلاعات و ارتباطات، فعالیت های مالی و بیمه، فعالیت های املاک و مستغلات، فعالیت‌های حرفه‌ای و علمی و فنی، فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی، اداره امور عمومی و دفاع، آموزش، فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و هنر و سرگرمی و تفریح، فعالیت‌های خانوارها به‌عنوان کارفرما، فعالیت‌های سازمان‌ها و هیئت‌های برون مرزی) بررسی شده است. برای تحلیل اطلاعات و تعیین و شناسایی وضعیت اشتغال پایه‌ای و غیر پایه‌ای، از مدل ضریب مکانی (LQ) و برای تهیه نقشه‌ها از نرم افزار GIS استفاده شده است. به منظور تعیین فعالیت پایه‌ای وضعیت اشتغال روستاییان شهرستان‌های کشور از شاخص ضریب مکانی LQ استفاده شده است. این روش برای شناسایی نیروی کار پایه‌ای در مناطق مختلف بکار می‌رود و از معروف‌ترین نظریه‌های رشد اقتصادی پایه‌ای است. این نظریه بر تفکیک فعالیت‌های پایه‌ای تأکید خاص دارد و بقیه فعالیت‌های غیر پایه‌ای تلقی می‌شود. مدل LQ از رابطه زیر به‌دست می‌آید:

$$LQ = \frac{\frac{e_1}{\sum e_1}}{\frac{E}{\sum E_1}}$$

که در آن:

LQ: ضریب مکانی

e_1: تعداد نیروی کار شاغل در بخش i در شهرستان

E: تعداد نیروی کار شاغل در بخش i در کل کشور

$\sum e_1$: تعداد کل نیروی کار موجود در شهرستان

$\sum E_1$: تعداد کل نیروی کار موجود در کل کشور

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

در صورتی که این نسبت بزرگ‌تر از یک باشد، فعالیت پایه‌ای محسوب می‌شود و منجر به صدور نیروی کار از آن بخش می‌شود. در صورتی که LQ کوچک‌تر از یک باشد، فعالیت غیرپایه‌ای است، به‌نحوی که آن بخش وارد کننده نیروی کار است و اگر LQ مساوی یک باشد، منطقه خودکفا است (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۳: ۶۸). شاخص LQ که به‌طور معمول برنامه‌ریزان اقتصاد منطقه‌ای آن را بکار می‌برند، وقتی معنا دارد که برای مقایسه بین مناطق مختلف و تعیین توانمندی‌های هر منطقه بکار گرفته شود. در واقع چون LQ گرایش‌های تخصصی هر مکان و زمینه‌های مستعد برای توسعه را ترسیم می‌کند، بهتر آن است که این معیار برای وضعیت اشتغال بخش‌های مختلف اقتصادی یک کشور محاسبه و ارزیابی شود. از نرم افزار ARC GIS10.2 و برنامه‌های جانبی Spatial statistics (mapping clusters) به منظور نقشه‌سازی و تجزیه و تحلیل نقاط داغ گروه‌های عمده فعالیت استفاده گردید. در واقع در متد لکه‌های داغ یا Hot Spot ، مکان‌های که بزرگ‌تر از میانگین باشد، یک همبستگی فضایی تشکیل داده و یک نقطه داغ حاصل می‌شود و همچنین مناطقی که کوچک‌تر از میانگین باشد، یک نقطه سرد به دست می‌آید.

۴) یافته‌های تحقیق

در بخش کشاورزی ۵۵ ٪ از شهرستان‌های کشور (۲۱۵ شهرستان) جزء نواحی پایه‌ای و صادر کننده نیروی کار هستند. با توجه به اینکه بیشتر شهرستان‌های کشور در بخش کشاورزی جزء نواحی پایه قرار دارد، می‌توان سیاست‌های اشتغال‌زا را در شهرستان‌ها به سمت این بخش هدایت کرد. همچنین ۳۳,۵٪ از شهرستان‌های کشور جزء نواحی غیرپایه‌ای در بخش کشاورزی به حساب می‌آید که وارد کننده نیروی کار و نیز ۱۱,۵ ٪ از شهرستان‌ها جزء نواحی خودکفا در بخش کشاورزی می‌باشد (شکل ۱).

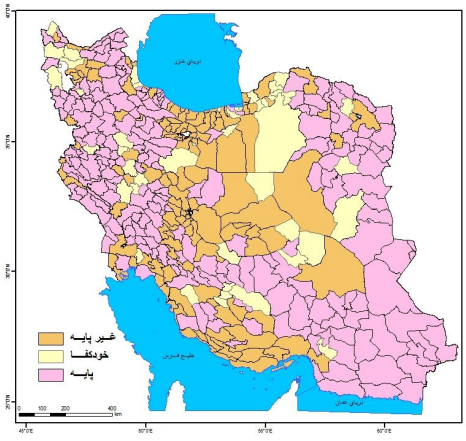

شکل شماره (۱): پراکندگی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال بخش کشاورزی در شهرستان‌های کشور

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

بر اساس نقشه متد لکه‌های داغ، غرب و شمال غرب کشور و جنوب شرق، به دلیل مناسب بودن شرایط اقلیمی و خاک بیشترین اشتغال را در بخش کشاورزی به خود اختصاص داده و از نواحی پایه و صادر کننده نیروی کار در بخش کشاورزی می‌باشد. همچنین استان‌های تهران، قم، سمنان و بخشی از استان‌های مازندران، مرکزی و قزوین جزء نواحی غیر پایه در این بخش بوده و وارد کننده نیروی کار می‌باشد (شکل ۲).

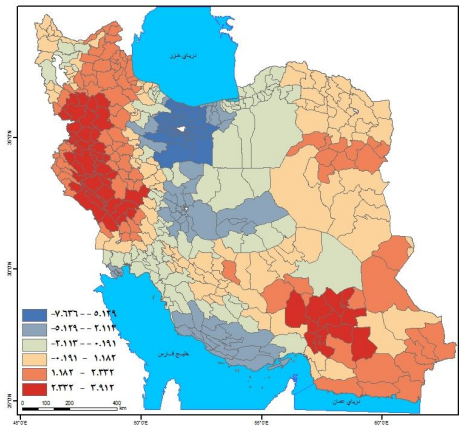

شکل شماره (۲): الگوی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال بخش کشاورزی در شهرستان‌های کشور بر اساس متد لکه‌های داغ

همچنین در شکل ۳ وضعیت شهرستان‌ها از نظر غیر پایه‌ای، خودکفا و پایه‌ای بودن بخش کشاورزی در استان نیز مشخص شده است. در واقع در این بخش شهرستان‌های هر استان نسبت به میانگین استان خود مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

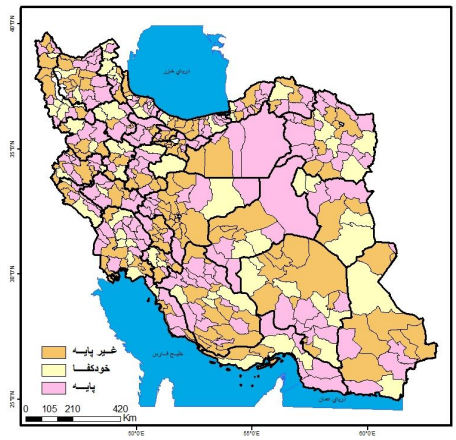

شکل شماره (۳): پراکندگی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال بخش کشاورزی شهرستان‌ها در استان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

در بخش صنعت، ۲۶ ٪ از شهرستان‌های کشور (۱۰۳ شهرستان) بالاتر از یک هستند که جزء نواحی پایه-ای و صادر کننده نیروی کار به حساب می‌آیند و این شهرستان‌ها در اقتصاد کشور نقش مهمی دارد. ۶۶ ٪ از شهرستان‌ها جزء نواحی غیرپایه‌ای و وارد کننده نیروی کار در بخش صنعت می‌باشد. ۸ ٪ شهرستان‌های کشور نیز در این بخش جزء نواحی خود کفا قرار می‌گیرد (شکل ۴).

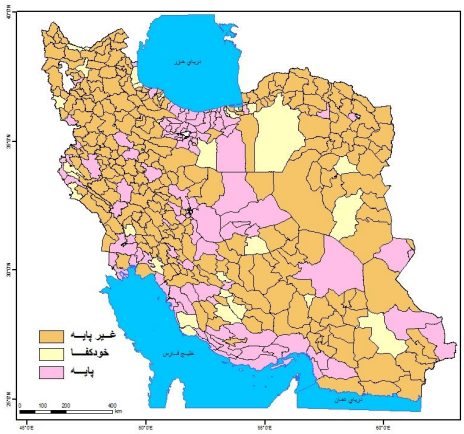

شکل شماره (۴): پراکندگی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال بخش صنعت در شهرستان‌های کشور

بر اساس نقشه متد لکه‌های داغ، شمال و بخشی از مرکز کشور بیشترین شاغلین در بخش صنعت را به خود اختصاص داده که در شمال به دلیل شکل‌گیری صنایع بزرگ در پایتخت و صنایع تبدیلی در بخش‌های کشاورزی در مناطق دیگر موجب شده است که بیشترین اشتغال در بخش صنعت به خود اختصاص دهد. نواحی غرب و شمال غرب کمترین مقدار شاغلین در بخش صنعت را دارا می‌باشد (شکل ۵).

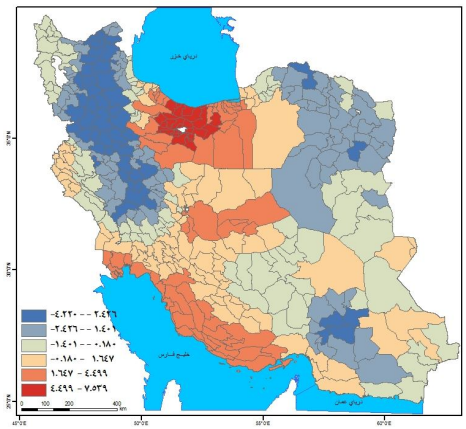

شکل شماره (۵): الگوی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال بخش صنعت در شهرستان‌های کشور بر اساس متد لکه‌های داغ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

در شکل ۶ وضعیت شهرستان‌ها از نظر غیرپایه‌ای، خودکفا و پایه‌ای بودن بخش صنعت در استان نیز مشخص شده است.

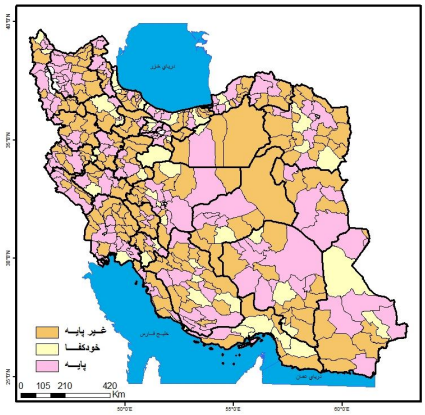

شکل شماره (۶): پراکندگی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال بخش صنعت شهرستان‌ها در استان

در بخش خدمات، ۴۹,۵ ٪ از شهرستان‌های کشور (۱۹۵ شهرستان) دارای ضریب مکانی بالاتر از یک و جزء نواحی صادر کننده نیروی کار هستند. ۴۰ ٪ از شهرستان‌ها دارای ضریب مکانی کمتر از یک و جزء نواحی وارد کننده نیروی کار می‌باشد. همچنین ۱۰,۵ ٪ از شهرستان‌ها در نواحی خودکفا در بخش خدمات قرار دارد (شکل ۷).

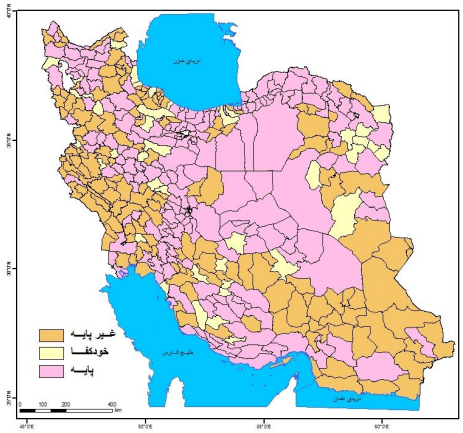

شکل شماره (۷): پراکندگی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال بخش خدمات در شهرستان‌های کشور

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

بر اساس نقشه متد لکه‌های داغ، مناطق مرکزی و شمال کشور بیشترین شاغلین در بخش خدمات را دارا می‌باشد. همچنین استان‌های غربی کشور و جنوب شرق، کمترین شاغلین در بخش خدمات را به خود اختصاص داده است. در واقع در این مناطق به دلیل نزدیکی به مرزها و همچنین شرایط نا مساعد آب و خاک، به سمت فعالیت‌های خدماتی سوق پیدا کرده‌اند (شکل ۸).

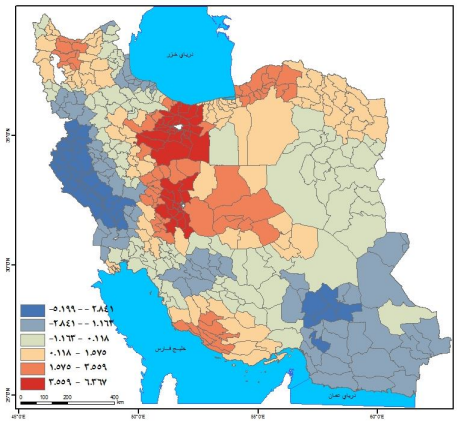

شکل شماره (۸): الگوی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال بخش خدمات در شهرستان‌های کشور بر اساس متد لکه‌های داغ

در شکل ۹ وضعیت شهرستان‌ها از نظر غیر پایه‌ای، خودکفا و پایه‌ای بودن بخش خدمات در استان مشخص شده است.

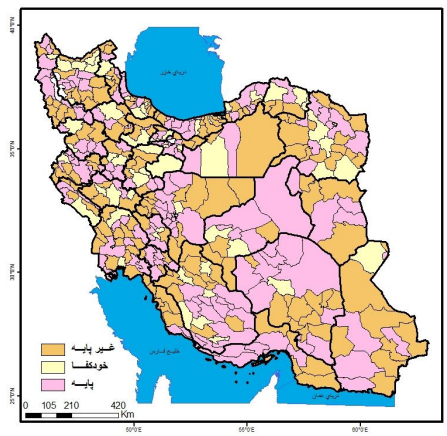

شکل شماره (۹): پراکندگی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال بخش خدمات شهرستان‌ها در استان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

۵) نتیجه گیری

تاکنون تحقیق و پژوهشی در زمینه تحلیل فضایی در بخش‌های عمده فعالیت نواحی روستایی ایران انجام نشده است. در واقع تحقیقات انجام شده در زمینه اشتغال روستاییان، بیشتر در سطح استان‌های کشور انجام شده و یا همراه با اشتغال شهری مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین درک درستی در زمینه اشتغال روستاییان کشور در بخش‌های عمده فعالیت در اختیار مخاطبان قرار نمی‌دهد. بنابراین در این تحقیق به بررسی وضعیت اشتغال روستاییان در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات پرداخته شده است. بخش‌های عمده اقتصادی بر مبنای طبقه‌بندی مرکز آمار ایران انتخاب شده است. برای تعیین فعالیت‌های پایه‌ای و غیرپایه‌ای هر یک از این بخش‌ها در فضای جغرافیایی استان‌ها و کشور، شاخص سهم ارزش افزوده هر یک از بخش ها با استفاده از مدل ضریب مکانی محاسبه گردید.

در بخش کشاورزی عمدتاً غرب و شمال غرب کشور و جنوب شرق از نواحی پایه‌ای در این بخش می‌باشد. در این مناطق به دلیل مناسب بودن شرایط اقلیمی و خاک بیشترین اشتغال را در بخش کشاورزی به خود اختصاص داده؛ به گونه‌ای که این مناطق می‌توانند صادر کننده نیروی کار کشاورزی به نواحی دیگر باشد و این نواحی نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصاد ملی دارا است که با هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در بخش کشاورزی این نواحی می‌توان به کارآتر شدن این بخش در اقتصاد کشور کمک کرد.

این پراکنش در بخش صنعت عمدتاً در استان‌های تهران، مازندران، قم، قزوین و نواحی مرکزی و جنوبی کشور قرار دارد. این استان‌ها دارای پتانسیل ارسال نیروی کار صنعتی به نواحی دیگر هستند. در این استان‌ها به دلیل نزدیکی به پایتخت، وجود صنایع تبدیلی در بخش کشاورزی و در برخی مناطق دیگر به دلیل دارا بودن معادن، بیشترین اشتغال در این بخش را در کشور به خود اختصاص داده‌اند. این مناطق در اقتصاد کشور نقش بی‌بدیلی دارد که با سرمایه‌گذاری در این بخش و ایجاد فرصت‌های اشتغال و صنعتی‌سازی روستاها می‌توان به رونق صنعت در این نواحی کمک شایانی انجام داد که پیامد آن رشد بخش صنعت اقتصادی ملی می‌باشد. مناطق مرکزی، شمال شرقی و غربی و جنوب کشور به‌عنوان صادر کننده نیروی کار خدماتی شناخته می‌شود که در این مناطق به دلیل نزدیکی به مرز، و در برخی مناطق دیگر به دلیل نامناسب بودن شرایط طبیعی، بیشتر به فعالیت در بخش‌های خدماتی روی آورده‌اند.

۶) منابع

- ابریشمی، حمید، (۱۳۷۵)، **اقتصاد ایران**، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]

- بدری، نصرت اله، (۱۳۹۱)، **آشنایی با توسعه اقتصادی** ، ایجاد اشتغال و توسعه صنایع روستایی، سازمان شهرداری و دهیاری های کشور، بنیاد خواجه نصرالدین طوسی
- حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی، (۱۳۸۳). **کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای**، یزد، علم نوین
- حیدری فر، محمد رئوف، (۱۳۹۱)، **منابع مالی و اشتغال روستایی**، سازمان شهرداری و دهیاری های کشور، بنیاد خواجه نصرالدین طوسی.
- رزاقی ابراهیم، (۱۳۷۶)، **گزیده اقتصاد ایران**، انتشارات امیرکبیر.
- رمضان زاده، مهدی، مهدی حسام، (۱۳۹۱)، **آشنایی دهیاران با هدفمندسازی یارانه ها**، سازمان شهرداری و دهیاری های کشور، بنیاد خواجه نصرالدین طوسی.
- صحنه، بهمن، (۱۳۹۱)، **مدیریت اقتصادی روستا**، سازمان شهرداری و دهیاری های کشور، بنیاد خواجه نصرالدین طوسی.
- طاهرخانی، مهدی(۱۳۷۹). **صنعتی شدن روستا**، اداره ی کل طرحهای صنعتی و بهره برداری وزارت جهاد سازندگی.
- علیزاده، محمد، (۱۳۷۸). **بازار کار و تأمین اجتماعی**، فصلنامه تأمین اجتماعی. سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۷ ، صص ۹۷
- قدیری معصوم، مجتبی، آئیژ عزمی، (۱۳۸۹)، « **تحولات اشتغال روستایی و یررسی عوامل موثر بر آن** »، مجله چشم انداز جغرافیایی، سال چهارم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۸۹، صص ۱۱۹- ۱۰۱
- مطیعی لنگرودی، سید حسن، (۱۳۹۰)، **جغرافیای اقتصادی ایران(کشاورزی، صنعت، خدمات)**،جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
- مهدوی، مسعود، (۱۳۶۹)، **مفهوم برنامه ریزی روستایی و اهداف آن**، پژوهش های جغرافیایی. دوره ۲۶، شماره ۰، شهریور ۱۳۶۹، صص ۵۴ـ۴۸
- Al - Jalaly, S(1992):"**Agricultural sector Employment and the Need for off – Farm Employment** " Pakistan Development Review.31:4 part II (Winter 1992) pp. 817-828
- -Benjamin, D (1992): "**Household composition, laber Markets and laber Demand: Testing for separation in agricultural Household Models**", Economica, Vol. 60, No.2(March,1992),287-322
- khan, S., and Ghani, E(1989): "**Employment Generation in Rural Pakistan with a special focus on Rural Industrialization"**, Pakistan Development Review, vol. 28, issue 4, pages 587-602
- Rosen, H. S, and Quandt, R. E: (1977)"**Estimation of a Disequilibrium Aggregate laber market"**, The Review of Economics and statistics Vol. 60. No. 3, pp.371-379

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.11.1]